

## فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسل‌های ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ایران، اقوام و استان‌های آن)

یعقوب احمدی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور\*  
آزاد نمکی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

### چکیده

اهمیت نقش ارزش‌های توده (فرهنگ سیاسی) در گذار به مردم‌سالاری در سال‌های اخیر برجستگی خاصی یافته است. اگرچه دیرینه‌شناسی مفهومی حکایت از تأکید اندیشمندانی مانند ارسطو و افلاطون بر اهمیت نقش ارزش‌های شهروندان در سیاست دارد، اما در دهه‌های اخیر و به طور خاص با مطالعه "فرهنگ مدنی" آلموند و وربا بود که توجهات بیش از پیش به این سو رهنمون شد. مطالعه حاضر نیز در همان راستا، البته با طرح نظریات و تجربیات نوتر درباره ارزش‌ها انجام پذیرفته است. داده‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها WVS، موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ اخذ شده است. این پیمایش در ایران در سال ۲۰۰۷ با ۲۶۶۷ نمونه آماری به انجام رسیده است. در این مجموعه داده‌ها، استان محل سکونت پاسخگو، در یکی از متغیرهای آن ثبت شده است، لذا امکان مقایسه میزان ارزش‌های رهایی بخش پاسخگویان به تفکیک استانی و البته قومی مهیا شده است. در این پژوهش استان‌هایی که تعداد نمونه آنها در مجموعه داده‌ها زیر ۴۰ نفر بودند، حذف شدند و استان‌های خراسان جنوبی و شمالی نیز با استان خراسان رضوی ادغام گردیده و در کل با نام استان خراسان در تحلیل‌ها آمده‌اند. یافته‌های این پژوهش هم در بخش توصیفی و هم در بخش تحلیل، مطابق با انتظارات نظری نوشتار، حاکی از برتری نسل جوان در بروز ارزش‌های ابراز وجود و توسعه بیشتر فرهنگ دموکراتیک در میان این نسل است. جالب آنکه، این تفاوت در بروز ارزش‌های دموکراتیک تقریباً در همه سطوح بازتولید شده است؛ بدین معنا که علاوه بر سطح ملی، در سطوح فروملی بررسی شده؛ یعنی قومی و استانی و نیز به تفکیک جنسیت، تقریباً نتایج مشابهی به دست آمد؛ هرچند در سطح ملی، تفاوت بسیار آشکارتر و در سطوح فروملی با پیچیدگی‌هایی همراه بود.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ سیاسی، نسل، روابط نسلی، ارزش‌های ابراز وجود، رهایی بخشی

## مقدمه

توسعه سیاسی به مثابه "افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه" همواره به عنوان آمال جوامع و حکومتگران در دوره معاصر مطرح نظر بوده است. چنین تعاریفی در واقع، توسعه سیاسی را متناظر و مترادف با فرایند گسترش دموکراسی و دموکراتیک شدن می‌نمایند. بر این اساس، می‌توان عنوان نمود که "توسعه سیاسی با رشد دموکراسی همراه است" (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۲۰۴). «موج سوم» دموکراسی با فروپاشی نظام‌های غیردموکراتیک اروپای جنوبی؛ یعنی اسپانیا، پرتغال و یونان در دهه ۱۹۷۰ و بسیاری از رژیم‌های امریکای لاتین و برخی کشورهای آسیایی در دهه ۱۹۸۰ و گذار به دموکراسی در اروپای شرقی در دهه ۱۹۹۰، اوج بی‌سابقه‌ای یافته است. در سال ۱۹۹۷ براساس آمار خانه آزادی از ۱۹۱ کشور جهان، ۱۱۷ کشور دارای رژیم‌های سیاسی دموکراتیک بودند، در سال ۲۰۰۴ بر اساس آمار همین مرکز، از ۱۹۳ کشور، ۱۲۱ کشور دارای نظام دموکراسی حداقلی یا انتخاباتی به شمار می‌رفتند و در سال ۲۰۰۹ از ۱۹۳ کشور، تنها ۴۳ کشور غیردموکراتیک معرفی شده‌اند. بر این اساس، امروزه بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که دموکراسی سرنوشت مقدر همه انسان‌هاست و نه تنها در عرصه سیاست، بلکه در کل حیات فکری و فرهنگی جوامع اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (بشیری، ۱۳۸۴: ۱۱).

گذار به دموکراسی و یا حتی شروع فرایند دموکراتیک شدن تحت تأثیر عوامل بسیاری است که محققان گوناگون بنا به گرایش نظری خویش به بعضی از آنها اشاره کرده‌اند: نوسازی، وضعیت اقتصادی، فشار خارجی، انضمام شبکه‌های اعتماد در سیاست عمومی، اعتماد به نهادها و مؤسسات دولتی و... جملگی به عنوان

عوامل مؤثر بر گذار معرفی شده‌اند. فرهنگ سیاسی در بیانی کلی مبتنی بر پیوند سیاست و فرهنگ و در بیان خاص تر، تأثیرات فرهنگ و باورها و ارزش‌های موجود در ساخت فرهنگی جوامع بر سیاست را در خود دارد. مطالعه پیوستگی سیاست و فرهنگ و اثر فرهنگ بر سیاست امری کهن است که سابقه آن به افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. طرح موضوع "فضیلت‌های شهروندان" در مباحث مونتیکیو و ارسطو دقیقاً در راستای واگویی تأثیرات فرهنگ بر سیاست بوده است؛ موضوعی که بعدها توسط توکویل در جامعه آمریکایی تداوم می‌یابد. گابریل آلموند فرهنگ سیاسی را "الگوی نگرش‌ها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام" تعریف می‌کند. از دیدگاه آلموند هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سوی کنش‌های سیاسی است (شریف، ۱۳۸۱: ۸). همچنین، از نظر آلموند هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۱۱). لوسین پای<sup>۱</sup> معتقد است که فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از بازخوردها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۲۲).

این سابقه عمومی در مورد فرهنگ سیاسی، با مطالعه آلموند و وربا خاص‌تر شده و با عنوان موضوع‌های مرتبط با فرهنگ سیاسی شناخته می‌شود. از آن زمان به این سو محققان متعدد از زوایای مختلف به بحث و تحقیق در رابطه با فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند. پس از تحقیق آلموند و وربا، مطالعات متعددی به مبحث فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند (برای مثال: دیوید استون (۱۹۶۵)، توکویل (۱۹۹۴)، هانتینگتون (۱۹۹۱)، پوتنام (۱۹۹۳)، (۲۰۰۰)، اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵، ۲۰۰۹)). لاری

<sup>۱</sup> L. Pay

فرهنگی آسیایی اشاره می‌کند و عنوان می‌کند که در این سنت‌ها تأکید عمده بر اجتماع، اقتدار و رهبری باثبات و قوی است نه فردگرایی و تکثرگرایی (نک: اینوگوچی و نیومان، ۱۹۹۷؛ خونگ، ۱۹۹۷).

در ایران سابقه بحث دموکراسی و دموکراسی خواهی، به حدود یکصد سال گذشته باز می‌گردد. بر این اساس، دغدغه دموکراسی در ایران به انقلاب مشروطه باز می‌گردد که پس از آن نیز فرصت‌های تاریخی متعددی برای دموکراتیک شدن در ایران پیش آمده و این روند تا به امروز هم تداوم یافته است. همچنین، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در هر جامعه‌ای از طریق انتقال از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد. بنابراین، تداوم حیات هر جامعه‌ای در گرو جریان انتقال فرهنگی در آن جامعه است. جریان این انتقال همیشه و در تمام جوامع یکسان نیست. انتقال ارزش‌ها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر بدون تغییر و کامل صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل باید پذیرفت که تداوم فرهنگی به معنای تغییرناپذیری و انتقال بدون تغییر نیست؛ حتی در جوامع سنتی، نسل جدید ارزش‌ها و هنجارهای نسل گذشته را به طور کامل نمی‌پذیرد و برخی از آنها را مردود می‌شمارد و در بعضی دیگر نوآوری‌هایی ایجاد می‌کند (جعفرزاده، ۱۳۸۸: ۲۳). از آنجا که فرهنگ و تمدن یک جامعه از طریق تعاملات بین نسلی انتقال و تداوم می‌یابد، توجه به مسأله نسل‌ها و روابط میان آنها بسیار مهم و اساسی است. به همین علت، این موضوع در طی سالیان اخیر مورد اقبال محققان و صاحب‌نظران قرار گرفته و مطالعاتی در این زمینه انجام شده است. از این منظر، جامعه ایران به علت حجم بالای جمعیت جوان در طول تاریخ خویش، اهمیت فزاینده‌ای در راستای بررسی روابط نسلی یافته است.

با توجه به تفصیل فوق، نوشتار حاضر درصدد است با بررسی وضعیت فرهنگ سیاسی در میان نسل‌های مختلف در ایران، در راستای پاسخگویی به پرسش روابط

دیاموند در کتابش با عنوان «دموکراسی در حال توسعه: به سوی تحکیم» و در آزمون فرآیندهای تحکیم دموکراسی در کشورهایی که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسیون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند، در کنار سایر عوامل مؤثر، بر عوامل فرهنگی و سیاسی و جامعه مدنی تمرکز نمود (۱۹۹۹: ۸۸ - ۷۸). او یادآور می‌شود: «از آن‌رو که دموکراسی نیازمند مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های شهروندان، مانند: تعادل، تساهل، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت است، فرهنگ سیاسی عاملی مهم و اصلی در تحکیم دموکراسی قلمداد می‌گردد» (همان: ۱۶۱).

رونالد اینگلهارت عنوان می‌کند که فرهنگ نسبت به ادبیات دو دهه گذشته نقش بسیار حیاتی‌تری در دموکراسی ایفا می‌کند. بر اساس بحث او «به نظر می‌رسد توسعه اقتصادی تغییرات تدریجی فرهنگی را موجب می‌شود که توده مردم را احتمالاً به طور فزاینده‌ای خواهان نهادهای دموکراتیک می‌سازد و اینکه آنها حمایت بیشتری از دموکراسی در جایی که وجود دارد، خواهند کرد» (اینگلهارت ۲۰۰۰: ۶-۹۵؛ همچنین نک: هاریسون، ۲۰۰۰؛ اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۳؛ ولزل و دیگران، ۲۰۰۳). هانتینگتون عامل ناکامی دموکراسی در جوامع مسلمان را فرهنگ می‌داند. او می‌گوید که منبع این ناکامی، حداقل در بخشی از طبیعت نامساعد اجتماع و فرهنگ اسلامی نسبت به مفاهیم لیبرال غرب نهفته است (هانتینگتون، ۱۹۹۶: ۱۱۴). کریستوفر کلاگ و دیگران (۲۰۰۱: ۳۶-۳۷) بر اساس مطالعه تجربی خود عنوان می‌کنند که: «احتمال ظهور دموکراسی در دوره پس از جنگ، قویاً متأثر از خصوصیات هر کشور است که منعکس کننده میراث نهادی و فرهنگی آن کشور است». طرفداران تز "ارزش‌های آسیایی" در تلاش برای تبیین فقدان آزادی سیاسی در بعضی از کشورهای آسیایی به سنت‌های

نگرش‌ها و ارزش‌های سطح فردی در نگهداشت نهادهای دموکراتیک در سطح نظام تأکید کردند (Diamond, 2003: 28). در این راستا می‌توان گفت که تقریباً تمامی مطالعات حوزه فرهنگ سیاسی برآنند که تمایلات توده در نگرش‌های سطح فردی و جهت‌گیری‌های ارزشی برای کارگزاری دموکراسی در سطح نظام مهم هستند. این فرض پایه استدلال زیربنایی تحقیق درباره فرهنگ سیاسی است.

با نگاهی پارادایمی از میان مطالعات فرهنگ سیاسی، می‌توان سه رهیافت عمده را از هم منفک نمود: رهیافت مشروعیت (یا رهیافت حمایت از نظام<sup>۳</sup>)، رهیافت اجتماع گرایان (یا رهیافت سرمایه اجتماعی<sup>۴</sup>) و رهیافت توسعه انسانی<sup>۵</sup> (یا رهیافت رهایی بخش) (Inglehart and Welzel, 2009: 572). هواداران رهیافت مشروعیت عنوان می‌کنند که حمایت توده از دموکراسی به عنوان یک نظام حکومتی و اعتماد توده به نهادهای دولتی، دموکراسی‌ها را به مشروعیتی مجهز می‌گرداند که برای عملکرد مؤثر به آن نیازمندند (Seligson, 2002: 176). طرفداران این رهیافت، دموکراسی را به عنوان مجموعه محدودی از مکانیسم‌های نهادی که سیاست رسمی را نظم می‌دهد، ملاحظه می‌کنند؛ عملکرد نهادهای دموکراتیک تنها با مسامحه به زندگی روزانه مردم مرتبط است و به افرادی با خصوصیتی، مانند تساهل و اعتماد نیازی ندارد. این خصوصیات بر نهادهای سیاسی که بر فراز جوامع هستند، اثر مستقیمی ندارند که این موضوع پیشنهادها را ثبات نهادی را نسبتاً بی‌ارزش می‌سازد: دموکراسی به شهروندان احتیاج چندانی ندارد؛ کافی است که اکثریت به میزان رضایت بخشی به این نهادها اعتماد داشته، دموکراسی را به سایر نظام‌های حکومتی جایگزین ترجیح دهند.

میان نسلی در حوزه فرهنگ سیاسی گام بردارد. بر این اساس، نوشتار حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

- شباهت یا تفاوت وضعیت فرهنگ سیاسی دموکراتیک نسل‌های سه‌گانه (نسل جوان، میانسال و مسن) در سطح ملی به چه میزان است؟

- شباهت یا تفاوت وضعیت فرهنگ سیاسی دموکراتیک نسل‌های سه‌گانه در سطوح فروملی به چه میزان است؟

## مبانی نظری

### فرهنگ سیاسی

از همان آغاز، پژوهشگران فرهنگ سیاسی ادعا کرده‌اند که کارگزاری و بقای نهادهای دموکراتیک در سطح نظام با جهت‌گیری‌های ارزشی سطح فردی ارتباط بسیاری دارند. از این دیدگاه، سرنوشت نظام سیاسی عمدتاً به وسیله نگرش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های ارزشی مردم تعیین می‌شود. ارسطو در قرن پنجم پیش از میلاد و منتسکیو<sup>۱</sup> خاطرنشان کرده‌اند که اشکال متفاوت حکومت، انواع فضیلت‌های رایج در میان مردم را منعکس می‌کنند. توجه به این بینش، مجدداً در تبیین حاکمیت نازی‌ها در آلمان وایمار ظاهر شد و ناظران متعدد به این نتیجه رسیدند که این فاجعه از این حقیقت نشأت می‌گیرد که وایمار، "دموکراسی بدون دموکرات‌ها" بود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۴۳). آلموند و وربا<sup>۲</sup> نخستین پیمایش تجربی تطبیقی درباره ارتباط نگرش‌های توده با تثبیت و کارگزاری دموکراسی‌ها را آغاز نمودند. آنها نتیجه گرفتند که ترکیب مناسب میان "جهت‌گیری‌های ذهنی" و "جهت‌گیری‌های مشارکتی" منشأ فرهنگ مدنی<sup>۳</sup> است که به شکوفایی دموکراسی‌ها کمک می‌نماید. مطالعات تجربی تطبیقی بعدی بر اهمیت

<sup>3</sup> System-support

<sup>4</sup> Social Capital

<sup>5</sup> Human Development

<sup>1</sup> Montesquieu

<sup>2</sup> Almond and Verba

آزادی‌های سیاسی و مدنی را که ضمانت‌های قانونی برای انجام انتخاب‌های آزاد در فعالیت‌های عمومی و خصوصی مردم فراهم می‌کند، نهادینه می‌کند. متفکران این رهیافت یکی از مهمترین وجوه ارزش‌های مدنی را در "ارزش‌های ابراز وجود" می‌یابند. رونالد اینگلهارت<sup>۱</sup> و همکاران با تدوین تز دگرگون شده‌ای از تئوری نوسازی بر اهمیت رشد ارزش‌های ابراز وجود برای تقویت نهادهای دموکراتیک تأکید می‌کنند (۱۳۸۹؛ ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹).

اینگلهارت و همکاران در مراحل متفاوت توسعه اجتماعی-اقتصادی، تغییرات فرهنگی متفاوتی را معرفی می‌نمایند: صنعتی شدن و جامعه فراصنعتی. آنها برآنند که دگرگونی از ارزش‌های صنعتی به فراصنعتی، تعدادی از نهادهای کلیدی جامعه صنعتی را تضعیف می‌کند. در قلمرو سیاسی، رشد ارزش‌های فراصنعتی، کاهش احترام به اقتدار و رشد تأکید بر مشارکت و ابراز وجود را به همراه می‌آورد. این روندها در جوامع اقتدارگرا منشأ دموکراسی هستند و در جوامع نسبتاً دموکراتیک منشأ چالش‌نخبگان.

برای این متفکران، ارزش‌های ابراز وجود بر آزادی فردی، تنوع انسانی و استقلال مدنی تأکید دارند. "ارزش‌های ابراز وجود در بردارنده تأکید فرامادی‌گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانه شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران و تأکید بر رفاه ذهنی هستند که در رضایت از زندگی منعکس می‌شود" (اینگلهارت-ولزل، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

بر این اساس و با توجه به نظریه اینگلهارت و ولزل، نوع فرهنگ سیاسی مناسب دموکراسی خواه رسمی یا کارآمد، دربردارنده مقوله‌های سندرم توسعه انسانی یا ارزش‌های ابراز وجود یا به عبارتی دیگر "رهاینده" است. مقوله‌های شاخص ارزش‌های ابراز وجود

دو رهیافت دیگر (رهیافت اجتماع‌گرایان و توسعه انسانی) از سنت مکتب فرهنگ مدنی پیروی می‌کنند و عنوان می‌کنند که دموکراسی بیشتر از مجموعه‌ای از مکانیسم‌های نهادی است که سیاست رسمی را نظم می‌بخشند. بر این بنیان، دموکراسی در دیدگاه آلکسی دو توکویل به عنوان نظام حکومتی قلمداد می‌گردد که اصول آن در میان مردم عادی جامعه عملی می‌شود؛ شهروندانی که هنجارهای دموکراتیک را در زندگی روزانه‌شان تجربه کرده، و به آن عمل می‌کنند. در نتیجه، کارآمدی دموکراسی به اموری بیش از داشتن اعتماد به نهادها و ترجیح دموکراسی بر سایر نظام‌های حکومتی نیازمند است؛ یعنی به مجموعه گسترده‌ای از ارزش‌های شهروندی نیاز دارد. رهیافت اجتماع‌گرایان بر ارزش‌هایی که شهروندان را به زندگی روزانه پیوند داده، پیوندهای اجتماعی و وفاداریشان به اجتماع را تقویت می‌کند، تأکید دارند (Bell, 1993: 82-85). بر اساس نظر پوتنام چنین جهت‌گیری‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند و در فعالیت‌های مردم در انجمن‌های داوطلبانه و در اعتمادشان به شهروندان منعکس می‌شود. بر این اساس، اجتماع‌گرایان و نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی بر فعالیت داوطلبانه و اعتماد بین فردی به عنوان زمینه عمومی که دموکراسی‌ها در آن شکوفا می‌شوند، تأکید دارند. مکتب دیگر اجتماع‌گرایان بر سازگاری شهروندان با قانون و وفاداری به قواعد مناسب با آنچه آنها "درستکاری مدنی" یا "قابلیت اعتماد" می‌نامند، به عنوان منابع اخلاقی حافظ دموکراسی، تأکید می‌کنند (Rothstein 2000:482).

وجه مشترک رهیافت توسعه انسانی با رهیافت اجتماع‌گرایان در تأکید بر اهمیت ارزش‌های مدنی برای دموکراسی است (Inglehart and Welzel, 2009: 575). اندیشمندان نحلّه توسعه انسانی بر این باورند که ارزش‌های مدنی فعالیت دموکراسی را مؤثر ساخته و

<sup>1</sup> R. Inglehart

(ره‌یافته) شامل ارزش‌های فرامادیگرایی، برابری جنسیتی، شاخص استقلال و تساهل نسبت به دیگران است. بر این اساس، افراد دارای نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده، نگرش مثبتی نسبت به برابری جنسیتی داشته، بر ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید می‌کنند و نسبت به سایرین به شیوه‌ای متساهلانه می‌نگرند (Welzel and Inglehart, 2009: 132).

### نسل و روابط نسلی و فرهنگ سیاسی

رابطه نسلی، پدیده‌ای قرن بیستمی است و بیشتر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی است که پدیده جوانی و رابطه نسل‌ها به عنوان معضلی اجتماعی به طور جدی توجه تحلیلگران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی را به خود جلب می‌کند. از کارل مانهایم می‌توان به عنوان نخستین نظریه‌پردازانی که مفهوم نسل را وضع کرد، نام برد. مانهایم از نسل به عنوان «برخورد تازه» بر اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با اینکه او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود، با نسل معین می‌کند، اما افرادی را که در درون نسل‌ها قرار دارند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تحریبات مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده، از آنها به عنوان واحدهای نسلی<sup>۱</sup> یاد می‌کند (Manheim, 1952, 290). مانهایم، مفهوم «نسل» را در تکمیل تحلیل قشربندی اجتماعی در «جامعه‌شناسی مدرن» به کار برده است (ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۴). اگرچه به طور خاص، مانهایم مفهوم نسل را برای مطالعه رشد تفکر محافظه‌کاری در جوامع مدرن به کار برده است؛ از نظر او می‌توان فرهنگ‌های نسلی را همانند فرهنگ‌های طبقاتی یا فرهنگ‌های حرفه‌ای مورد بحث قرار داده، مفهوم سازی

کرد (ترنر، ۱۹۹۵: ۳۹۱). واحد نسلی مرکزی‌ترین عنصر بحث مانهایم است. با این حال، او سه بعد را برای نسل تشخیص می‌دهد: جایگاه نسلی، نسل به مانند یک واقعیت، واحد نسلی (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۸). جایگاه نسلی، تعیین کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی که در دوره زمانی و فضای اجتماعی- فرهنگی یکسان متولد شده‌اند و کسانی که میزان مشترکی از وقایع تاریخی را تجربه می‌نمایند، مرتبط است. نسل به عنوان یک واقعیت با بازتشخیص تجربیات افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند و نیز کسانی که احساس می‌کنند با معاصرانشان مرتبط هستند، بستگی دارد؛ چرا که به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند. بنابراین، یک نسل به عنوان یک واقعیت، تنها شامل افرادی است که به لحاظ تاریخی هم‌دوره هستند (Diepstraten et al., 1999).

از نظر مانهایم، واحد نسلی، بیش از یک گروه سنی زیستی و هر یک از هم‌دوره‌های سنی است. واحد نسلی همچون جمع افراد به لحاظ سنی مشابه نیست، بلکه واحد اجتماعی پیوندی و مرتبط با هم از طریق موقعیت ساختاری مشترک، سیستم ظرفیتی مشترک، خودآگاهی همچون یک واحد اجرایی و کنش متقابل اجتماعی و انسجام در میان اعضاست. در نهایت، از نظر مانهایم دگرگونی سریع در محیط و تغییرات تکنولوژیک در تشدید اختلاف‌های فرهنگی و فکری میان نسل‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۹۰).

بورديو در تئوری تضاد ساختاری و نظریه نسلی خود روابط نسلی و تضاد ارزش‌های بین دو نسل را در عرصه‌های اجتماعی، نظیر دانشگاه، سیاست، ادبیات و خانواده پی‌گیری و تحلیل می‌نماید. در این راستا، با مراجعه به جامعه‌شناسی فرهنگ بورديو و به طور خاص با توجه به نظر او در مورد ملکه می‌توان نسل را استنتاج نمود؛ زیرا به زعم وی، افرادی که هم‌دوره‌ای‌اند و در

<sup>1</sup> Generation Units

بنابراین، بورديو منشأ اصلی تضادهای ارزشی نسل‌ها را توزیع نامتوازن منابع قدرت و ثروت و سرمایه (اقتصادی، نمادین، اجتماعی و انسانی) در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی می‌داند. از این رو، در دیدگاه بورديو، تفاوت ارزشی بین نسلی یک آسیب تلقی می‌شود.

در کار آنتونی گیدنز می‌توان به تعریف خاصی از نسل دست پیدا کرد. او نسل‌ها را همچون هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده‌اند، در نظر می‌گیرد. اگر چه یک نسل به سال‌های زندگی نسبت داده می‌شود، ولی از این نوع تعریف از نسل‌ها جوهر جامعه‌شناختی به دست نمی‌آید؛ چرا که نسل صرفاً معطوف به سال یا تجربه زندگی گروه نیست. همان‌طور که بیان کرده است، هدف او فهم این نکته است که چگونه حافظه نسل‌ها در فرآیند نهادی شدن از طریق مراسم و روایت‌های جمعی ساخته می‌شود. به نظر او تمایزات حافظه از طریق مراسم و روایت‌های جمعی ساخته می‌شود.

در نظر گیدنز، در عصر جدید مفهوم نسل رفته رفته تنها در برابر پس زمینه‌ای از زمان استاندارد شده معنی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اینک تنها از نسل دهه پنجاه یا نسل ده شصت قرن حاضر و غیره سخن به میان می‌آید. توالی زمانی به این معنا دیگر چندان شباهتی به فرایندهای انتقال گروهی در اعصار گذشته ندارد. در جوامع سنتی، دوره زندگی علاوه بر معنای صریح خود دلالت‌های تکوینی دیگری هم دارد که به خصوص مفهوم از نو شروع کردن از آنها استنباط می‌شود؛ زیرا تکرار روش‌های گذشته تنها در صورتی تحقق می‌یابد که آن روش‌ها به طور بازتابی قابل توجه باشد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۰۷). گیدنز در اینجا علاوه بر توجه به عنصر زمان به فرار بودن جامعه به عنوان ویژگی جوامع متجدد و نیز نوعی مرخص شدن از گذشته نیز توجه دارد. نکته قابل تأمل در اندیشه گیدنز در این ایده نهفته است که نسل جدید به لحاظ اخلاقی نسبت به نسل قبلی دچار مشکل است. او در پاسخ به این

زمان حال زندگی کرده و ملکه فرهنگی مشترک دارند، کارکردی مبتنی بر حافظه جمعی دارند که ترکیب هم‌دوره‌ای‌ها را در طول یک دوره خاص تعیین می‌کند و تعریف کننده نسل واحد است. در این تعریف توجه خاصی به ایده فرهنگ جمعی و مشترک معطوف است؛ احساسات، رجحان‌ها، خلق و خو و مجموعه‌ای از اعمال، از قبیل ورزش و فعالیت‌های تفریحی حافظه جمعی و خلق فرهنگی یا سنت نسلی را تعیین می‌کنند که با مدیریت منابع نسلی در طول زمان و فضا ملاحظه می‌شود. به اعتقاد بورديو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده، در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیرنهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. او چالش‌های بین نسلی را همانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشر بندی اجتماعی یا به تعبیر او نظام‌های سلطه، نابرابری در عرصه‌های مختلف، نمی‌داند و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل روابط و تعارضات نسلی و ارزشی در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فکری - فرهنگی می‌پردازد (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۶). بورديو معتقد است رویارویی نسل‌ها و تضاد ارزشی آنان، در عرصه‌ها و «میدان‌های اجتماعی» مختلف اتفاق می‌افتد که عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است.

چنین مباحثی دال بر این است که بورديو جوان و پیر را نه به عنوان امری عینی و واقعی، بلکه ساختاری اجتماعی می‌داند که در نتیجه مبارزه میان پیر و جوان در میدان‌های مختلف اجتماعی به وجود می‌آید (همان: ۱۰۷). بورديو در کتاب «سؤال‌های جامعه‌شناسی» می‌نویسد: «در قرن ۱۶ در فلورانس پیرها (نسل قدیم) ارزش‌هایی چون خشونت را تبلیغ می‌کرده‌اند تا پختگی و عقلا نیت تا در نتیجه قدرت خود را به رخ بکشند» (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۴۴).

فرزندانشان تمایل دارند؛ این میراث فرهنگی به آسانی زایل نمی‌شود. البته، اگر این میراث با تجربه مستقیم افراد ناسازگار باشد، ممکن است به تدریج تضعیف شود.

اینگلهارت و همکاران با کاربرد همزمان این دو فرضیه، مجموعه روشن‌تری از پیش‌بینی‌های مرتبط با تغییر فرهنگی را ارائه دادند: "نخست، درحالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رفاه مادی موجب گسترش ارزش‌های فرامادی می‌شود، فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر آن دارد که به احتمال بسیار، ارزش‌های افراد و جامعه به‌عنوان یک کل، یک‌شبه تغییر نمی‌کنند. در عوض، تغییر ارزشی بنیادی به تدریج به وقوع می‌پیوندد؛ در اکثر بخش‌ها، این تغییر به‌عنوان جایگزینی جمعیتی نسل جوان به جای نسل بزرگسال به‌وقوع می‌پیوندد" (۲۰۰۸: ۱۳۸). بر این اساس، آنها عنوان می‌کنند که ۱۰ یا ۱۵ سال پس از آنکه یک دوره رفاهی آغاز شود، گروه‌های سنی که سال‌های تکوین را در رفاه گذرانده‌اند، به جرگه رأی دهندگان وارد می‌شوند.

به نظر اینگلهارت و همکارانش، یکی از مهمترین روندهای جایگزینی بین نسلی در حوزه گذار از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های ابراز وجود یا به عبارت کلی‌تر، گذار از ارزش‌های مادی‌گرایانه به ارزش‌های فرامادی‌گرایانه، به وقوع می‌پیوندد. در نظر آنها کنش‌هایی مانند: "رشد فعالیت مدنی به چالش کشیدن نخبگان"، "تلاش در راستای برابری جنسیتی" و "نگرش متساهلانه به دیگری" هر چه بیشتر در میان نسل جوان رایج‌تر شده است و به عنوان کنشی متعارف تلقی می‌گردد. بر این اساس، عنوان می‌شود که مادی‌گرایان به دل‌مشغولی برای ارضای نیازهای آنی برای بقا گرایش دارند، درحالی که فرامادی‌گرایان درباره نیازهای بقا نسبتاً احساس امنیت نموده، انرژی فیزیکی‌شان را عمدتاً در سایر علایق خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. با توجه به این‌که در عموم کشورهای جوامع صنعتی، گروه‌های سنی جوانتر نیز از

پرسش که آیا شاهد ظهور یک نسل "من" خواهیم بود که ارزش‌های مشترک و علایق عمومی را نابود می‌کنند و در آنها فردگرایی مفرط و شدید وجود خواهد داشت، عنوان می‌کند: نسل "من" توصیف‌گمراه‌کننده‌ای از فردگرایی جدید است که نشانه‌ای از فرآیندی فساد اخلاقی به دست می‌دهد. در واقع، برعکس، بررسی‌ها نشان می‌دهند که نسل‌های جوان امروز نسبت به نسل‌های پیشین خود را به سنت‌ها ربط نمی‌دهند یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین‌کنندهٔ هنجارهای شیوه زندگی نمی‌پذیرند. این‌گونه ارزش‌های اخلاقی در نزد اینگلهارت به مثابه ارزش‌های فرامادی‌گرایانه تعریف شده‌اند (آزاد، ۱۳۸۳: ۲۸-۳۱).

اینگلهارت (۱۹۷۱) بیش از سه دهه قبل فرض کرد که در سراسر جوامع پیشرفته صنعتی، اولویت‌های ارزشی مردم در حال دگرگونی از اهداف «مادی‌گرایانه» با تأکید بر امنیت فیزیکی و اقتصادی به اهداف «فرامادی‌گرایانه» مبتنی بر ابراز وجود و کیفیت زندگی است. در نظر اینگلهارت و همکاران (۱۳۸۹: ۱۲۱) این دگرگونی فرهنگی نوعی دگرگونی بین نسلی در مسیری پیش‌بینی شده در حال وقوع بوده است. این نظریه تغییر ارزشی بین نسلی مبتنی بر دو فرضیه کلیدی است: ۱) فرضیه کمیابی. اساساً همگان خواهان آزادی و استقلال هستند، اما اولویت‌های مردم، منعکس‌کننده شرایط اجتماعی - اقتصادی است که بیشترین ارزش ذهنی را بر مهمترین نیازها قرار می‌دهد.

۲) فرضیه اجتماعی شدن. روابط میان اولویت‌های ارزشی و کمیابی مادی یک انطباق آنی نیست، بلکه فاصله زمانی زیادی را در برمی‌گیرد، زیرا تا اندازه زیادی، ارزش‌های اساسی هر فرد تحت تأثیر شرایط تکوینی سال‌های پیش از بلوغ او قرار دارند و این ارزش‌ها عمدتاً به وسیلهٔ جایگزینی بین‌نسلی جمعیت تغییر می‌یابند. با وجود این، نسل‌های قدیمتر هر جامعه به انتقال ارزش‌های خود به



فرضیه اصلی تحقیق؛ یعنی میزان ظهور ارزش‌های ابراز و نگرش‌های دموکراتیک و تفاوت این میزان در میان نسل‌ها، اقوام و استان‌های ایران با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه مورد سنجش قرار گرفته است.

#### ب) داده‌ها

داده‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها WVS، موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ اخذ شده است. این پیمایش در ایران در سال ۲۰۰۷ با ۲۶۶۷ نمونه آماری به انجام رسیده است. در این مجموعه داده‌ها استان محل سکونت پاسخگو، در یکی از متغیرهای آن ثبت شده است، لذا امکان مقایسه میزان ارزش‌های رهایی بخش پاسخگویان به تفکیک استانی مهیا شده است. در این پژوهش، استان‌هایی که تعداد نمونه آنها در مجموعه داده‌ها زیر ۴۰ نفر بودند، حذف شدند. در جریان این امر استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و یزد، از مجموع ۳۰ استان موجود در مجموعه داده‌ها حذف شده و استان‌های خراسان جنوبی و شمالی نیز با استان خراسان رضوی ادغام گردیده و در کل با نام استان خراسان در تحلیل‌ها آمده است. در مجموع تحلیل‌ها مبتنی بر ۲۲ استان باقی مانده خواهد بود. توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب استان، جنس، در جدول زیر گزارش شده است. لازم است عنوان شود که در بحث بررسی اقوام، هیچ یک از استان‌ها حذف نشده و هر استان در چارچوب قومیت متناسب خویش مورد استناد و تحلیل قرار گرفته است.

سطوح بالاتر مهارت‌های سیاسی برخوردارند، اینگلهارت نتیجه گرفت که فرایندهای تغییر ارزشی و بسیج‌شناختی همزمان با هم به وقوع می‌پیوندند: شهروندان این جوامع در حال جایگزینی افزایش تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود هستند و رشد سطوح مهارت، آنها را به مشارکت در سیاست در سطوح بالاتر و تأثیرگذاری بر تصمیماتی که بر زندگی‌شان اثرگذار است، قادر ساخته و در نتیجه آنها به سادگی اتخاذ این تصمیمات را به نخبگان واگذار نخواهند کرد (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۸).

#### فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق

- بین نسل‌های سه گانه در سطح ملی مبتنی بر وضعیت فرهنگ سیاسی دموکراتیک تفاوت وجود دارد.
- بین نسل‌های سه گانه در سطوح فروملی (استانی و قومیتی) مبتنی بر وضعیت فرهنگ سیاسی دموکراتیک تفاوت وجود دارد.
- فرهنگ سیاسی دموکراتیک زنان و مردان نسل‌های سه‌گانه دارای تفاوت است.

#### روش‌شناسی پژوهش

##### الف) روش تجزیه و تحلیل و نرم‌افزار

روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر تحلیل ثانویه است. به منظور آزمون پایایی مدل‌های اصلی تحقیق (مدل فرهنگ سیاسی یا ارزش‌های ابراز وجود) و تأیید مدل نظری، از مدل سازی معادله ساختاری استفاده شده که با بهره‌گیری از نرم‌افزار Amos به انجام رسیده است. همچنین، در آماده‌سازی داده‌ها برای استفاده در مدل معادله ساختاری و انجام آزمون فرضیه اصلی پژوهش از نرم‌افزار SPSS بهره برده شده است.

جامعه آماری این پژوهش، کل ایران و واحد تحلیل، نسل‌های سنی، اقوام و استان‌های آن است. پس از آنکه مقبولیت مدل به لحاظ پایایی و اعتبار مشخص گردید،



سنجش قرار دادند. مدل اندازه‌گیری برای سازه اصلی ارزش‌های دموکراتیک در این مطالعه برگرفته از مدل ارزش‌های ایراز وجود اینگلهارت و ولزل (Inglehart and Welzel, 2009) است. هرچند این مدل اندکی پیچیده است، اما نسبت به مدل‌های مشابه تعداد بیشتری از ارزش‌های دموکراتیک را در برمی‌گیرد. مدل

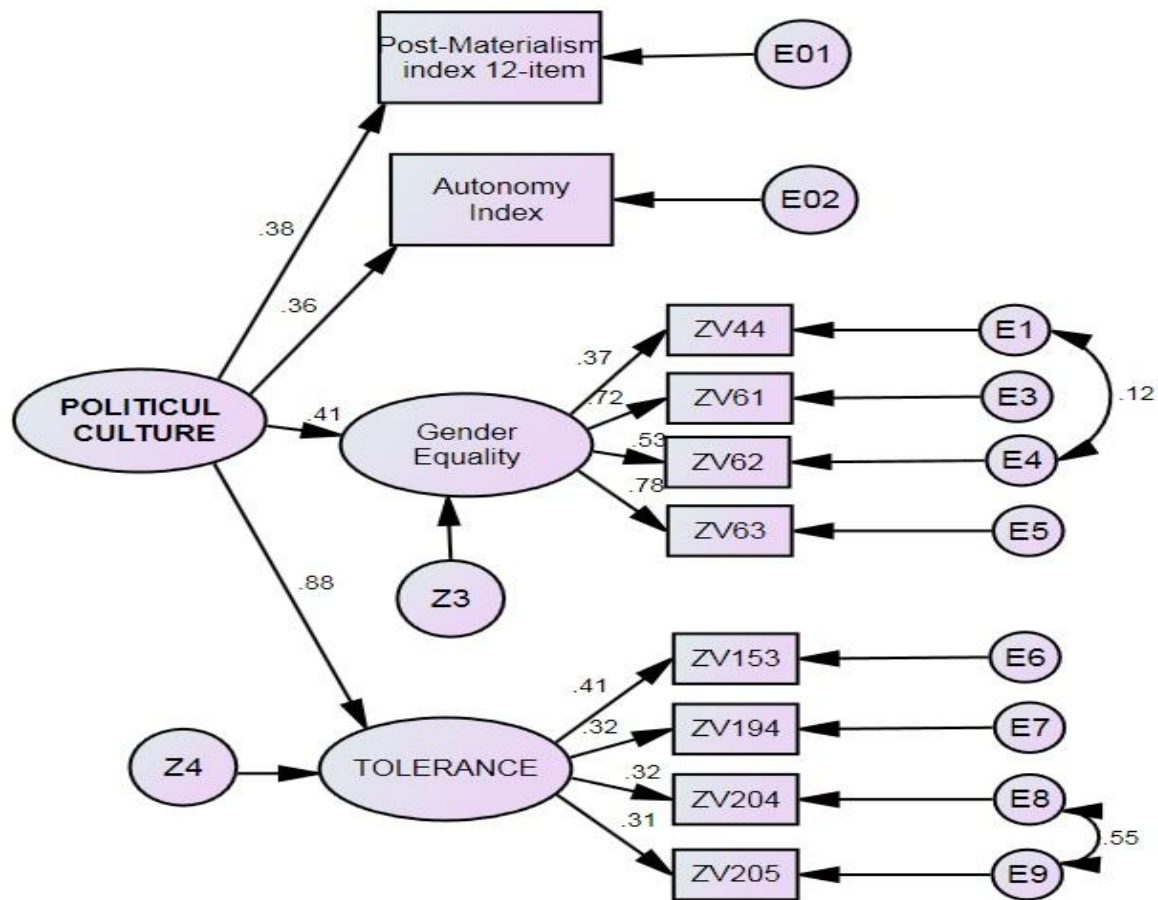
مشمول بر پنج متغیر پنهان است که علاوه بر سازه اصلی فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ایراز وجود)، فرامادی‌گرایی، متغیرهای استقلال، برابری جنسیتی و تساهل را در بر می‌گیرد. در کل، سازه فرهنگ سیاسی شامل متغیرهای زیر خواهد بود:

جدول ۲- ابعاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک

ارزش‌های فرامادی‌گرایی	Post materialism Values	فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ایراز وجود) Self-Expression Values
ترجیح اظهار نظر و مشارکت در حاکمیت بر نظم و ثبات آمرانه	ترجیح آزادی بیان بر نظم و ثبات آمرانه	تأکید بر مستقل بودن
ترجیح دخالت و مشارکت مردم در امور محلی بر مبارزه و مقابله شدید با جرایم		تأکید بر پشتکار و کوشا بودن
		عدم تأکید بر مطیع و فرمانبردار بودن
		عدم تأکید بر دگماتیسم مذهبی
		مخالفت با در اولویت قرار گرفتن مردها نسبت به زنان در هنگام نگرش به برابری
		مخالفت با اینکه مردان رهبران سیاسی بهتری هستند
		مخالفت با اینکه تحصیلات برای پسران مهمتر است
		مخالفت با اینکه مردان نسبت به زنان مدیران تجاری بهتری هستند
	تساهل	V44
		V61
		V62
		V63
	تساهل در برابر سقط جنین	V202
	تساهل در برابر طلاق	V203
	نگرش به ارتباطات میان شهروندان دارای مذاهب متفاوت	V194
	تساهل در حوزه سیاست عمومی و به کار گماشتن کارگزاران	V153

نهایی علاوه بر ارزیابی با آلفای کرونباخ و مقدار ویژه، اعتبار آن با مدل سازی معادله ساختاری (Amos) نیز ارزیابی خواهد شد. این کار علاوه بر سنجش برازش مدل، بارهای عاملی هریک از متغیرها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی را برای ما آشکار خواهد کرد. شکل زیر مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی و بارهای عاملی آن را نشان می‌دهد.

از آنجا که در مجموعه داده‌های WVS نمره نهایی متغیرهای فرامادی‌گرایی و استقلال محاسبه شده است، در اینجا نیز به عنوان یک متغیر؛ یعنی به صورت یک متغیر مشاهده شده در مدل تحقیق استفاده شده است. همچنین، متغیرهای برابری جنسیتی و تساهل هر کدام جداگانه به لحاظ پایایی ارزیابی شده و شاخص نهایی آنها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ایجاد خواهد شد. در نهایت، مدل



شکل ۱- مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک به همراه بارهای عاملی آن

جدول زیر نتایج دیگر اعتبار مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود) را نشان می‌دهد:

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل فرهنگ سیاسی دموکراتیک

مدل تدوین شده		شاخص‌ها		نوع شاخص
مدل	دامنه قابل قبول	معادل فارسی	علامت اختصاری	
۰/۹۸۰	۰/۹۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی	CFI	تطبیقی
۰/۹۶۵	۰/۹۰ - ۱	شاخص توکر-لویس	TLI	
۰/۵۴۸	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	PNFI	مقتصد
۰/۵۵۳	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	
۰/۰۲۹	۰ - ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	
۰/۹۸۱	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش	GFI	مطلق
۰/۹۷۵	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که کلیه شاخص‌های تطبیقی و مقتصد در دامنه قابل قبول قرار دارد. از آنجا که همین شاخص‌ها نیز، معیارهای اصلی برای قضاوت درباره برآزش کلی مدل به حساب می‌آیند (احمدی و قاسمی، ۱۳۸۹)، در مجموع می‌توان گفت که مدل از برآزش قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۴- برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد به همراه سطح معنی‌داری

وزن‌های رگرسیونی	سطح معنی‌داری	نسبت بحرانی	انحراف استاندارد	برآورد
	P	C.R	S.E	استاندارد / غیر استاندارد
Y001<--- POLITICAL_CULTURE		متغیر مرجع		۰/۳۶۵ / ۱/۰
Y003<--- POLITICAL_CULTURE	۰/۰۰	۸/۱۴۶	۰/۱۱۱	۰/۰۰ / ۸/۱۴۶
Gender_Equality <- POLITICAL_CULTURE	۰/۰۰	۷/۳۶۶	۰/۰۴۹	۰/۰۰ / ۷/۳۶۶
Gender_Equality <--- ZV44		متغیر مرجع		۰/۳۷۳ / ۱/۰
Gender_Equality <--- ZV61	۰/۰۰	۱۵/۹۳۸	۰/۱۲۲	۰/۰۰ / ۱۵/۹۳۸
Gender_Equality <--- ZV62	۰/۰۰	۱۵/۷۰۱	۰/۰۹۰	۰/۰۰ / ۱۵/۷۰۱
Gender_Equality <--- ZV63	۰/۰۰	۱۵/۸۰۳	۰/۱۳۳	۰/۰۰ / ۱۵/۸۰۳
Tolerance <--- POLITICAL_CULTURE	۰/۰۰	۷/۳۸۴	۰/۱۱۶	۰/۰۰ / ۷/۳۸۴
ZV202 <--- Tolerance		متغیر مرجع		۰/۴۱۱ / ۱/۰
ZV203 <--- Tolerance	۰/۰۰	۷/۸۱۳	۰/۰۹۹	۰/۰۰ / ۷/۸۱۳
ZV204 <--- Tolerance	۰/۰۰	۷/۸۱۳	۰/۱۰۱	۰/۰۰ / ۷/۸۱۳
ZV205 <--- Tolerance	۰/۰۰	۷/۵۵۸	۰/۰۹۹	۰/۰۰ / ۷/۵۵۸

اول شاخص فرهنگ سیاسی و ابعاد مختلف آن در میان نسل‌های ایرانی توصیف شده و در قسمت دوم فرضیات تحقیق درباره تفاوت‌های نسلی در حوزه فرهنگ سیاسی بررسی می‌شوند.

#### د) یافته‌های توصیفی

در این بخش ویژگی‌هایی کلی از جامعه مورد پژوهش به صورت میانگین‌های آماری ارائه می‌شود. این توصیفات میانگین‌هایی از نسل‌های سنی، جنس، استان و قومیت را در بر می‌گیرد که به ترتیب همه شاخص‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک شامل فرامادی‌گرایی، استقلال، برابری خواهی جنسیتی و

سطح معنی‌داری در جدول فوق حاکی از آن است که در صورت رد فرضیه صفری که مقدار پارامتر را برابر صفر قرار می‌دهد، چه میزان احتمال خطا وجود دارد. سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵، به معنی قبول فرض صفر بوده و مقدار برآورد شده پارامتر فاقد تفاوت معنادار با صفر است و لذا باید از مدل تدوین شده حذف گردد. مقادیر کمتر از آن نیز به معنی رد فرض صفر و قبول پارامتر است. همان‌طور که قابل مشاهده است، سطح معنی‌داری کلیه پارامترها از ۰/۰۵ کمتر است.

#### یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در دو قسمت ارائه می‌گردد: در قسمت

جنسیتی و تساهل از طریق تحلیل عاملی و نمره‌های استاندارد شده ایجاد شده‌اند، دامنه نمره‌های مشخصی برای جامعه ایران نمی‌توان در نظر گرفت، اما به هر حال نمره‌های بالاتر در میانگین‌ها نشانه‌ی نگرش‌های برابری خواهانه و نیز تحمل و مدارای بیشتر و نمره‌های پایین‌تر بر عکس گویای نظرهای مردسالارانه و عدم تحمل و مدارای افراد است.

تساهل خواهد شد. دامنه نمره‌های میانگین شاخص فرامادی‌گرایی بین ۱ تا ۵ قرار گرفته است. نمره ۵ به معنی نگرش فرامادی‌گرا (پست ماتریال) و نمره ۱ به معنی نگرش مادی‌گرایانه (ماتریالیستی) است. نمره‌های میانگین شاخص استقلال نیز در دامنه -۲ تا +۲ قرار گرفته‌اند. نمره +۲ به معنی تأکید بر استقلال و نمره -۲ به معنی تأکید بر مطیع بودن افراد و نگرش اقتدارگرایانه است. همچنین، از آنجا که دو شاخص برابری خواهی

جدول ۵- میانگین نمره‌های میانگین فرهنگ سیاسی و شاخص‌های زیر مجموعه آن برای کل ایران و نسل‌ها

میانگین نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک	میانگین نمره تساهل	میانگین نمره شاخص برابری خواهی جنسیتی	میانگین نمره شاخص استقلال	میانگین نمره شاخص فرامادی‌گرایی	تعداد پاسخگو	رده سنی
۰/۹۸	۰/۱۱	۰/۱۰۶	-۰/۰۴	۲/۰۰	۱۳۲۳	-۲۹ ۱۵
-۰/۱۳	-۰/۰۴۳	-۰/۰۸۰	-۰/۱۶	۱/۷۱	۱۰۳۴	-۴۹ ۳۰
-۰/۳۴	-۰/۳۴	-۰/۱۶۲	-۰/۲۰	۱/۶۵	۳۰۲	-۹۸ ۵۰

جامعه آماری ایران ارائه می‌دهد. در تمام شاخص‌های زیرمجموعه ارزش‌های ابراز وجود به جز برابری خواهی جنسیتی، مردان نمره‌های بهتری را به خود اختصاص داده‌اند، اما جالب آنکه تفاوت نمره میانگین این شاخص در مردان و زنان تا بدان جاست که نتیجه نهایی را به نفع زنان تغییر داده است؛ یعنی زنان در نمره نهایی شاخص فرهنگ سیاسی میانگین بالاتری را نسبت به مردان به ثبت رسانده‌اند؛ هرچند هنوز نمی‌توان قضاوت کرد که کدام‌یک دموکرات‌ترند. این امر به علت بیشتر بودن بار عاملی شاخص تساهل در مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک رخ داده است. هرچند هنوز نمی‌توان قضاوت کرد که آیا این تفاوت معنادار است یا خیر.

جدول ۵ این میانگین‌ها را در سطح نسل‌های سنی ارائه می‌دهد. همان‌طور که از نتایج جدول پیداست، نسل جوانتر یعنی رده سنی ۱۵-۲۹ از میانگین‌های بالاتری نسبت به دو نسل پیش از خود برخوردارند. همچنین، نسل ۳۰-۴۹ ساله نیز نسبت به نسل ماقبل خود میانگین‌های بهتری را در همه شاخص‌های ارزش‌های ابراز وجود به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع بر اساس این میانگین‌ها می‌توان گفت، جوانترها نسبت به دو نسل پیش از خود از فرهنگ سیاسی دموکرات‌تری برخوردارند؛ هرچند حتی این نسل نیز نمره‌هایی کمتر از حد میانگین کسب کرده‌اند و نمی‌توان عنوان دموکرات را بر این نسل نیز اطلاق کرد.

جدول ۶ میانگین‌هایی به تفکیک زن و مرد برای تمام

جدول ۶- میانگین نمرات میانگین فرهنگ سیاسی دموکراتیک و شاخص‌های زیر مجموعه آن به تفکیک زن و مرد

جنسیت	تعداد پاسخگو	میانگین نمره شاخص فرامادی گرای	میانگین نمره شاخص استقلال	میانگین نمره شاخص برابری خواهی جنسیتی	میانگین نمره شاخص تساهل	میانگین نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک
مردان	۱۳۲۲	۱/۹۰	-۰/۰۸	-۰/۲۴۷	۰/۰۲۸۷	-۰/۰۵۶
زنان	۱۳۱۶	۱/۷۸	-۰/۱۳	۰/۲۵۱	-۰/۰۲۷۹	۰/۰۷۴

جدول ۷، میانگین‌ها را برای تعدادی از قومیت‌های ایران گزارش می‌کند [۱]. از آنجا که جامعه آماری توزیع مناسبی از جمعیت مورد پژوهش است، تفاوت در فراوانی‌های ارائه شده از اقوام، مربوط به تعداد آنها در کل جمعیت است. در این رتبه‌بندی کردها در سه شاخص از چهار شاخص ارزش‌های ابراز وجود نمره‌های میانگین بالاتری را کسب کرده‌اند. آنها در شاخص ارزش‌های فرامادی گرایانه، استقلال و برابری خواهی جنسیتی نمره‌های بالاتری را به

خود اختصاص داده‌اند، اما در شاخص تساهل که مربوط به مدارا و تحمل می‌باشد، در میانه جدول قرار گرفته‌اند؛ هرچند در مجموع نمره بالاتر میانگین ارزش‌های ابراز وجود یا فرهنگ سیاسی دموکراتیک را برای خود حفظ کرده‌اند. پس از کردها، به ترتیب فارس‌ها، لرها، گیلک‌ها و ترک‌ها قرار گرفته‌اند، اما در مجموع می‌توان گفت هیچ‌کدام از قومیت‌های ایران در وضعیتی قرار نگرفته‌اند که بتوان عنوان "دارای فرهنگ دموکراتیک" را برای آنها به کار برد.

جدول ۷- رتبه‌های اقوام بر اساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک

رتبه	قومیت	تعداد پاسخگو	شاخص فرامادی گرایانه		شاخص استقلال		رتبه شاخص برابری جنسیتی		شاخص تساهل		فرهنگ سیاسی دموکراتیک	
			نمره میانگین	رتبه	نمره میانگین	رتبه	نمره میانگین	رتبه	نمره میانگین	رتبه	نمره میانگین	رتبه
۱	ترک	۵۶۶	۱/۶۶	۵	-۰/۲۵	۵	-۰/۰۹۰	۵	-۰/۰۸۳	۳	-۰/۲۲۰	۵
۲	فارس	۱۵۲۶	۱/۸۸	۲	-۰/۰۷	۳*	۰/۰۲۲	۳	۰/۰۲۰	۲	۰/۰۴۷	۲
۳	کرد	۱۸۵	۲/۲۸	۱	۰/۰۸	۱	۰/۳۲۷	۱	۰/۱۱۶	۵	۰/۴۳۴	۱
۴	گیلک	۱۲۰	۱/۷۷	۳	۰/۰۲	۲	-۰/۰۴۸	۴	-۰/۰۷۴	۴	-۰/۰۲۳	۴
۵	لر	۱۳۸	۱/۷۴	۴	-۰/۰۷	۴*	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۸۴	۱	۰/۰۴۰	۳

\* نمره میانگین این دو قومیت در شاخص تساهل برابر بوده است

که پیداست، با وجود نزدیک بودن نمره‌های میانگین اکثر استان‌های کشور به یکدیگر، همانند سطح قومیتی،

جدول ۸ نیز به رتبه‌بندی و ارائه نمره‌های میانگین هریک از استان‌ها به تفکیک شاخص‌ها می‌پردازد. همان‌طور

و تقریباً استان‌هایی که دارای جمعیت کرد زبان هستند، شامل کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی نیز در صدر جدول قرار گرفته‌اند و نیز به ترتیب از آخر استان‌های زنجان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان اردبیل و همدان در انتهای جدول قرار گرفته‌اند. هرچند بازهم تاکید می‌شود که برای هیچ‌کدام از قومیت‌ها یا استان‌ها نمی‌توان به صورت مشخص عنوان فرهنگ سیاسی دموکراتیک را به کار برد.

هماهنگی نسبی میان رتبه‌های هریک از استان‌ها در شاخص‌های چهارگانه فرهنگ سیاسی وجود دارد. این هماهنگی در استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان، زنجان، قم، کردستان، کرمان، گیلان و هرمزگان مشهودتر است. رتبه‌بندی سطح قومیتی در اینجا نیز به گونه‌ای بازتولید شده است، برای مثال، استان کردستان رتبه اول فرهنگ سیاسی دموکراتیک را به خود اختصاص داده است

جدول ۸- رتبه‌های استان‌ها بر اساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک

ردیف	استان	فرهنگ سیاسی										
		فرهنگ سیاسی دموکراتیک		شاخص تساهل		شاخص برابری جنسیتی		شاخص استقلال		شاخص ارزش‌های فرامادی گرایانه		
		رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	
۱	آذربایجان شرقی	۱۳	۱/۷۱	۱۵	-۰/۲۷	۱۳	-۰/۰۶	۱۵	-۰/۰۵	۱۴	-۰/۱۶	
۲	آذربایجان غربی	۱۰	۱/۸۴	۱۳	-۰/۱۷	۴	۰/۱۸	۴	۰/۲۴۰	۶	۰/۱۸	
۳	اردبیل	۹	۱/۹۰	۱۸	-۰/۴۲	۱۷	-۰/۲۰	۲۱	-۰/۴۵	۱۹	-۰/۴۰	
۴	اصفهان	۱۲	۱/۷۳	۱۲	-۰/۱۴	۱۰	۰/۰۱	۸	۰/۰۸۶	۱۳	-۰/۰۳۱	
۵	خراسان	۱۸	۱/۶۳	-۰/۲۷	۱۶	-۰/۱۸	۱۶	۰/۰۱۵	۹	۰/۰۱۵	۱۶	-۰/۲۰
۶	خوزستان	۵	۲/۰۷	۲	۰/۲۰	۱۴	۰/۱۷	۷	۰/۰۹۰	۷	۰/۱۸	
۷	تهران	۸	۱/۹۳	۳	۰/۱۰	۶	۰/۱۵	۱۷	-۰/۰۷۰	۸	۰/۱۴۵	
۸	زنجان	۲۲	۱/۰۸	۲۱	-۰/۷۰	۲۲	-۰/۷۸	۲۲	-۰/۶۱	۲۲	-۱/۱۲	
۹	سیستان و بلوچستان	۱۹	۱/۵۹	۲۲	-۰/۷۰	۱۵	-۰/۱۷	۱۶	-۰/۰۶۶	۲۰	-۰/۴۷	
۱۰	فارس	۱۷	۱/۶۵	۱۰	-۰/۰۷	۷	۰/۱۳	۱۳	-۰/۰۳۷۵	۱۲	-۰/۰۳۰	
۱۱	قزوین	۲۱	۱/۵۱	۵	۰/۰۵	۱۹	-۰/۲۳	۳	۰/۲۹	۱۱	۰/۰۰	
۱۲	قم	۱۵	۱/۷۰	۱۴	-۰/۲۵	۱۸	-۰/۲۲	۱۰	۰/۰۰	۱۷	-۰/۲۲	
۱۳	کردستان	۱	۲/۹۰	۱	۰/۵۹	۱	۰/۸۰	۲	۰/۵۰	۱	۱/۲	
۱۴	کرمان	۶	۲/۰۴	۴	۰/۱۰	۱۱	-۰/۰۱۵	۵	۰/۱۹۸	۴	۰/۲۱	
۱۵	کرمانشاه	۲	۲/۲۱	۹	-۰/۰۶	۳	۰/۲۳	۱۲	-۰/۰۳۲	۲	۰/۲۳	
۱۶	گلستان	۱۴	۱/۷۱	۱۷	-۰/۳۵	۸	۰/۰۸	۱	۰/۸۱	۵	۰/۱۹	
۱۷	گیلان	۷	۱/۹۹	۷	۰/۰۱	۱۲	-۰/۰۶	۱۴	-۰/۰۳۷۶	۹	۰/۰۸۰	
۱۸	لرستان	۱۶	۱/۶۷	۸	-۰/۰۴	۵	۰/۱۶	۶	۰/۱۱	۱۰	۰/۰۶۶	
۱۹	مازندران	۴	۲/۱۱	۱۱	-۰/۰۸	۲	۰/۲۶	۱۱	-۰/۰۲۰	۳	۰/۲۲۷	
۲۰	مرکزی	۳	۲/۱۲	۶	۰/۰۲	۲۰	-۰/۲۴	۲۰	-۰/۴۳	۱۵	-۰/۱۶۳	
۲۱	هرمزگان	۲۰	۱/۵۸	۲۰	-۰/۶۴	۲۱	-۰/۳۰	۱۹	-۰/۳۷	۲۱	-۰/۶۰	
۲۲	همدان	۱۱	۱/۷۹	۱۹	-۰/۵۸	۹	۰/۰۴	۱۸	-۰/۱۶۰	۱۸	-۰/۲۷	



## ز) یافته‌های تحلیلی

نهفته است، با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه و نیز آزمون تی مستقل به مقایسه میانگین‌های این سطوح و واحدها پرداخته شده است. در نخستین گام با استفاده از آزمون تحلیل واریانس تفاوت‌های بین سه نسل مختلف در کل ایران مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

در این بخش برای پی بردن به این امر که تفاوت‌های موجود بین واحدهای فروملی - استان و قومیت - و نیز تفاوت‌های بین نسل‌های سنی و زن و مرد تا چه اندازه قابل اعتناست و به صورت جزئی‌تر، اگر تمایزی در ظهور ارزش‌های ابراز وجود در هریک از این سطوح وجود دارد، در کدام بخش

جدول ۹- نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه برای سه رده سنی مختلف

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	مقدار	سطح
		SSf	MSf	F	معنی داری
میان‌گروهی	۲	۸۶/۷۶۶	۴۳/۳۸۳	۰/۹۳۵	
درون‌گروهی	۲۴۳۱	۲۳۴۷/۰۵	۰/۹۶۵	۴۴	۰/۰۰
کل	۲۴۳۳	۲۴۳۳/۸۲			

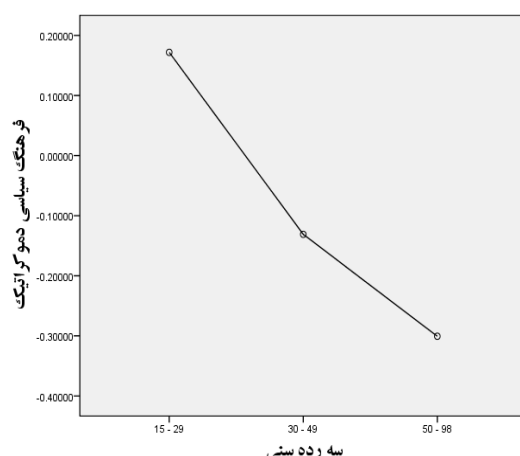
تفاوت معنادار وجود دارد. این تفاوت از نسل اول به نسل سوم به صورت صعودی افزایش می‌یابد؛ بدین معنا که بیشترین میزان ظهور ارزش‌های ابراز وجود در میان نسل جوانتر و کمترین آن در میان نسل مسن‌تر است. البته، تفاوت میان نسل جوان و میانسال بیشتر از تفاوت میان نسل میانسال و مسن است

نتایج آزمون معنی‌داری - جدول ۱۰ - حاکی از معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های حداقل دو رده سنی یا به عبارت دیگر، وجود تفاوت معنادار میان نسل‌های سنی ایران است. با استفاده از آزمون توکی ۳ بررسی شد. همان‌طور که از نتایج جدول ۱۰ آشکار است، میان میانگین‌های نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک یا ارزش‌های ابراز وجود هر سه نسل جوان (۱۵ تا ۲۹)، میانسال (۳۰ تا ۴۹ ساله) و مسن (۵۰ تا ۹۸ ساله)

جدول ۱۰- مقایسه میانگین نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک در سه رده سنی برای تمام ایران

رده سنی	رده سنی	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی داری	حد پایینی	حد بالایی
۲۹ - ۱۵	۴۹ - ۳۰	*۰/۳۰۵	۰/۰۴۲	۰/۰۰	۰/۲۰۵	۰/۴۰۶
۴۹ - ۳۰	۲۹ - ۱۵	*-۰/۳۰۵	۰/۰۴۲	۰/۰۰	-۰/۴۰۶	-۰/۲۰۵
۹۸ - ۵۰	۴۹ - ۳۰	*۰/۵۲۱	۰/۰۶۵	۰/۰۰	۰/۳۷۰	۰/۶۷۵
۹۸ - ۵۰	۲۹ - ۱۵	*-۰/۵۲۱	۰/۰۶۵	۰/۰۰	-۰/۳۷۰	-۰/۶۷۵
۲۹ - ۱۵	۴۹ - ۳۰	*-۰/۲۱۶	۰/۰۶۷	۰/۰۰	۰/۳۷۳	۰/۰۵۸
۲۹ - ۱۵	۲۹ - ۱۵	*-۰/۲۱۶	۰/۰۶۷	۰/۰۰	-۰/۳۷۰	-۰/۶۷۵
۹۸ - ۵۰	۴۹ - ۳۰	*-۰/۲۱۶	۰/۰۶۷	۰/۰۰	-۰/۰۵۸	-۰/۳۷۳

سطح اطمینان ۹۵٪



شکل ۲- نمودار میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود در میان نسل‌ها

میانسال مشاهده می‌شود. جدول ۱۱ نتایج بررسی تفاوت میانگین را برای سه نسل سنی به تفکیک مرد و زن نشان می‌دهد.

در دو گروه زنان و مردان نیز همین رویه تقریباً تأیید می‌شود؛ منتها با تغییری جزئی در مردان؛ بدین معنا که تفاوت بین دو نسل دوم و سوم معنی‌دار نیست. البته، میان دو این دو نسل نیز تفاوتی هرچند کوچک به نفع نسل

جدول ۱۱ - مقایسه میانگین نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک در زنان و مردان

سطح اطمینان ۹۵٪ حد بالایی	سطح اطمینان ۹۵٪ حد پایینی	سطح معنی‌داری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	رده سنی	ANOVA سطح معنی‌داری	F	جنسیت
۰/۴۳۰	۰/۱۴۱	۰/۰۰	۰/۰۶۱	۰/۲۸۵ *	۳۰-۴۹			
۰/۶۳۰	۰/۲۴۰	۰/۰۰	۰/۰۸۴	*۰/۴۳۷	۵۰-۹۸			
-۰/۱۴۱	-۰/۴۳۰	۰/۰۰	۰/۰۶۱	*-۰/۲۸۵	۱۵-۲۹	۰/۰۰	۱۸/۶۵	
۰/۰۵۳	-۰/۳۵۷	۰/۱۹۴	۰/۰۸۷	۰/۱۵۰	۵۰-۹۸			
۰/۲۴۰	-۰/۶۳۴	۰/۰۰	۰/۰۸۴	*-۰/۴۳۷	۱۵-۲۹			مردان
۰/۰۵۳	-۰/۳۵۷	۰/۱۹۴	۰/۰۸۷	-۰/۱۵۰	۳۰-۴۹			
۰/۴۷۰	۰/۱۸۶	۰/۰۰	۰/۰۶۰	۰/۳۲۸ *	۳۰-۴۹			
۰/۸۸۱	۰/۳۸۱	۰/۰۰	۰/۱۰۶	*۰/۶۳۲	۵۰-۹۸			
-۰/۱۸۶	-۰/۴۷۰	۰/۰۰	۰/۰۵۹	*-۰/۳۲۸	۱۵-۲۹	۰/۰۰	۳۰/۰	
۰/۵۵۷	۰/۰۵۰	۰/۰۱۴	۰/۱۰۸	*۰/۳۰۴	۵۰-۹۸			زنان
-۰/۳۸۳	-۰/۸۸۱	۰/۰۰	۰/۱۰۶	*-۰/۶۳۲	۱۵-۲۹			
-۰/۰۵۰	-۰/۵۵۷	۰/۰۱۴	۰/۱۰۸	*-۰/۳۰۴	۳۰-۴۹			

با هم هستند؛ بدین معنا که نسل سوم بدون استثنا در همه اقوام پیش‌تاز بروز ارزش‌های ابراز وجود است؛ هرچند در میان قومیت‌های بررسی شده تعدادی از آنها (همانند

کنکاش درون اقوام نیز به نتایج تقریباً مشابهی ختم می‌شود؛ هرچند این بدان معنا نیست که در همه اقوام ارزش‌های ابراز در میان نسل‌ها دارای تفاوت معنی‌دار

فارس‌ها و ترک‌ها)، تفاوت معنی‌دار و در بقیه (شامل کردها، لرها و گیلک‌ها) این تفاوت معنی‌دار نبوده است. به صورت مشخص، تمایز نسلی هیچ تفاوتی در میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود در میان نسل جوان و میانسال کردها ایجاد نکرده و تقریباً این میزان در میان هر دو نسل به یک اندازه بوده است، اما بیشترین میزان تفاوت را در میان دو نسل جوان و میانسال ترک‌ها با تفاوت میانگین ۰/۵۸۰٪ شاهد هستیم. این فاصله قابل توجه در میان دو نسل بعدی؛ یعنی میانسال و مسن تقریباً به صفر می‌رسد.

فارس‌ها و ترک‌ها)، تفاوت معنی‌دار و در بقیه (شامل کردها، لرها و گیلک‌ها) این تفاوت معنی‌دار نبوده است. به صورت مشخص، تمایز نسلی هیچ تفاوتی در میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود در میان نسل جوان و میانسال کردها ایجاد نکرده و تقریباً این میزان در میان هر دو نسل به یک اندازه بوده است، اما بیشترین میزان تفاوت را در میان دو نسل جوان و میانسال ترک‌ها با تفاوت میانگین ۰/۵۸۰٪ شاهد هستیم. این فاصله قابل توجه در میان دو نسل بعدی؛ یعنی میانسال و مسن تقریباً به صفر می‌رسد.

جدول ۱۲- مقایسه میانگین نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان اقوام ایران

سطح اطمینان ۹۵٪	سطح حد پایینی	سطح حد بالایی	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	رده سنی	ANOVA		قومیت
						سطح معنی‌داری	F	
۰/۷۸۴	۰/۳۷۷	۰/۹۰۵	۰/۰۸۷	*۰/۵۸۰	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۰/۹۰۵	۰/۳۱۳	-۰/۳۷۷	۰/۱۲۶	*۰/۶۱۰	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹	۰/۰۰	۲۷/۳۵۰
-۰/۳۷۷	-۰/۷۸۴	۰/۳۴۰	۰/۰۸۷	*-۰/۵۸۰	۱۵-۲۹	۱۵-۲۹		
۰/۳۴۰	-۰/۲۸۱	-۰/۳۱۳	۰/۱۳۱	-۰/۰۳۰	۵۰-۹۸	۵۰-۹۸		ترک
-۰/۳۱۳	-۰/۹۰۵	۰/۲۸۰	۰/۱۲۶	*-۰/۶۱۰	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹		
۰/۲۸۰	-۰/۳۴۰	۰/۴۰۵	۰/۱۳۱	۰/۰۳۰	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۰/۴۰۵	۰/۱۴۵	۰/۶۵۳	۰/۰۵۵	*۰/۲۷۵	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۰/۶۵۳	۰/۲۷۴	-۰/۱۴۵	۰/۰۸۰	*۰/۴۶۳	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹	۰/۰۰	۲۲/۱۰
-۰/۱۴۵	-۰/۴۰۵	۰/۳۸۲	۰/۰۵۵	*-۰/۲۷۵	۱۵-۲۹	۵۰-۹۸		
۰/۳۸۲	-۰/۰۰۵	-۰/۲۷۴	۰/۰۸۳	۰/۱۸۸	۵۰-۹۸	۵۰-۹۸		فارس
-۰/۲۷۴	-۰/۶۵۳	۰/۰۰۵	۰/۰۸۱	*-۰/۴۶۳	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۰/۰۰	۲۲/۱۰
۰/۰۰۵	-۰/۳۸۲	۰/۴۹۴	۰/۰۸۳	-۰/۱۸۸	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۰/۴۹۴	-۰/۴۷۱	۱/۶۱۸	۰/۲۰۴	۰/۰۱۱	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۱/۶۱۸	-۰/۰۸۲	۰/۴۷۱	۰/۳۶۰	۰/۷۷۰	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹	۰/۱۰	۲/۳۶۱
۰/۴۷۱	-۰/۴۹۴	۱/۶۴	۰/۲۰۴	-۰/۰۱۱	۱۵-۲۹	۱۵-۲۹		
۱/۶۴	-۰/۱۳۰	۰/۰۸۲	۰/۳۷۴	۰/۷۵۶	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹		
۰/۰۸۲	-۱/۶۲	۰/۱۳۰	۰/۳۶۰	-۰/۷۷۰	۱۵-۲۹	۵۰-۹۸		کرد
۰/۱۳۰	-۱/۶۴	۰/۷۸۲	۰/۳۷۴	-۰/۷۵۶	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۰/۷۸۲	-۰/۲۳۴	۲/۲۳۰	۰/۲۱۳	۰/۲۷۴	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۲/۲۳۰	-۰/۳۶۷	۰/۲۳۳	۰/۵۴۵	۰/۹۳۰	۵۰-۹۸	۱۵-۲۹		
۰/۲۳۳	-۰/۷۸۲	۱/۹۴۰	۰/۲۱۳	-۰/۲۷۴	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۰/۱۵۷	۱/۸۸۸
۱/۹۴۰	-۰/۶۲۷	۰/۳۶۷	۰/۵۴۰	۰/۶۵۶	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹		
۰/۳۶۷	-۲/۲۳۰	۰/۶۲۸	۰/۵۴۵	-۰/۹۳۰	۱۵-۲۹	۵۰-۹۸		گیلک
۰/۶۲۸	-۱/۹۴۰	۰/۷۳۰	۰/۵۴۰	-۰/۶۵۶	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۰/۷۳۰	-۰/۱۰۶	۱/۳۷	۰/۱۷۶	۰/۳۱۱	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹		
۱/۳۷	-۰/۱۴۵	۰/۱۰۶	۰/۳۲۰	۰/۶۱۴	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹		
۰/۱۰۶	-۰/۷۳۰	۱/۱۰۵	۰/۱۷۶	-۰/۳۱۱	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۰/۰۵۸	۲/۹۰۳
۱/۱۰۵	-۰/۵۰	۰/۱۴۵	۰/۳۴۰	۰/۳۰۲	۵۰-۹۸	۳۰-۴۹		
۰/۱۴۵	-۱/۳۷	۰/۱۴۵	۰/۳۲۰	-۰/۶۱۴	۱۵-۲۹	۵۰-۹۸		لر
۰/۵۰	-۱/۱۰	۰/۵۰	۰/۳۴۰	-۰/۳۰۲	۳۰-۴۹	۳۰-۴۹		

جدول ۱۳- مقایسه میانگین نمره فرهنگ سیاسی دموکراتیک در رده‌های سنی در درون استان‌ها

استان	ANOVA		رده سنی	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
	F	سطح معنی‌داری				
اصفهان			۳۰-۴۹	*۰/۶۲۰	۰/۱۶۰	۰/۰۰
			۵۰-۹۸	*۰/۷۵۲	۰/۲۳۴	۰/۰۵
			۱۵-۲۹	*-۰/۶۲۰	۰/۱۶۰	۰/۰۰
		۹/۸۲۱	۳۰-۴۹	۰/۱۳۲	۰/۲۴۲	۰/۸۴۹
			۵۰-۹۸	*-۰/۷۵۲	۰/۲۳۴	۰/۰۰۵
			۵۰-۹۸	-۰/۱۳۲	۰/۲۴۲	۰/۸۴۹
خراسان			۳۰-۴۹	*۰/۴۰	۰/۱۲۸	۰/۰۰۶
			۵۰-۹۸	*۰/۶۸۲	۰/۲۰۰	۰/۰۰۲
			۱۵-۲۹	*-۰/۴۰	۰/۱۲۸	۰/۰۰۶
		۸/۲۲۰	۳۰-۴۹	۰/۲۸۲	۰/۲۰۳	۰/۳۵۰
			۵۰-۹۸	*-۰/۶۸۲	۰/۲۰۰	۰/۰۰۲
			۳۰-۴۹	-۰/۲۸۲	۰/۲۰۳	۰/۳۵۰
تهران			۳۰-۴۹	۰/۱۶۰	۰/۱۰۰	۰/۲۴۰
			۵۰-۹۸	*۰/۳۸۰	۰/۱۳۱	۰/۰۱۱
			۱۵-۲۹	-۰/۱۶۰	۰/۱۰۰	۰/۲۴۰
		۴/۳۸۷	۳۰-۴۹	۰/۲۲۰	۰/۱۳۳	۰/۲۳۰
			۵۰-۹۸	*-۰/۳۸۰	۰/۱۳۱	۰/۰۱۱
			۳۰-۴۹	-۰/۲۲۰	۰/۱۳۳	۰/۲۳۰
فارس			۳۰-۴۹	۰/۴۰۶	۰/۱۶۸	۰/۰۴۵
			۵۰-۹۸	۰/۵۰۱	۰/۴۱۶	۰/۴۵۳
			۱۵-۲۹	*-۰/۴۰۶	۰/۱۶۸	۰/۰۴۵
		۳/۲۳۷	۳۰-۴۹	۰/۰۹۴	۰/۴۲۲	۰/۹۷۳
			۵۰-۹۸	*۰/۶۲۰	۰/۱۶۰	۰/۰۰
			۱۵-۲۹	*۰/۷۵۲	۰/۲۳۴	۰/۰۵

سوم به اول به صورت تصاعدی در افزایش بوده است. به عبارت دیگر نسل جوان دارای بیشترین میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود و یا به عبارت دیگر، حامل میزان بیشتری از فرهنگ سیاسی دموکراتیک بوده و پس از آنها به ترتیب نسل میانسال و سپس نسل مسن قرار می‌گیرند.

جدول ۱۳ برای تعدادی از استان‌ها که نمونه آنها برای تحلیل واریانس میان سه رده سنی کافی بود، به انجام رسید. از پنج استان بررسی شده، در چهار استان تفاوت معنی‌دار میان سه نسل در میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود مشاهده شد. در همه آنها این تفاوت‌ها از نسل

### جمع‌بندی و تفسیر یافته‌ها

مفهوم نسل و روابط میان نسل‌ها در سال‌های اخیر با توجه به کم‌رنگ شدن اهمیت طبقه و حزب در گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شهروندان از اهمیتی بسیاری برخوردار شده است. در این زمینه چنین عنوان می‌شود که اثر نسل و تجربیات نسلی بر رفتار و باورهای افراد در برهه‌هایی بیش از سایر مقوله‌های اجتماعی- فرهنگی است. مطالعه حاضر در راستای بررسی روابط نسلی به ویژه در حوزه سیاسی سامان یافته است.

یافته‌های این پژوهش حاکی از برتری نسل جوان در بروز ارزش‌های ابراز وجود و توسعه بیشتر فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان این نسل است. جالب آنکه، این تفاوت در بروز ارزش‌های دموکراتیک تقریباً در همه سطوح بازتولید شده است. بدین معنا که علاوه بر سطح ملی، در سطوح فروملی بررسی شده؛ یعنی قومی و استانی و نیز به تفکیک جنسیت، تقریباً نتایج مشابهی به دست آمد؛ هرچند در سطح ملی، تفاوت بسیار آشکارتر و در سطوح فروملی با پیچیدگی‌هایی همراه بود. برای مثال، در میان کردها تفاوت معناداری میان نسل‌ها به لحاظ بروز ارزش‌های ابراز وجود یافت نشد و حتی نسل جوان و میانسال این گروه به یک میزان به بروز این ارزش‌ها پرداخته‌اند، اما با وجود تفاوت بالای میانگین دو نسل جوان و مسن به لحاظ کمی (۷۷۰) به نسبت تفاوت در میان نسل‌های اقوام دیگر، بالاتر بودن میانگین ارزش‌های ابراز وجود در میان این قوم به صورت کلی از معنی‌دار شدن این تفاوت جلوگیری کرده است. این در حالی است که در میان فارس‌ها تفاوت دو نسل جوان و میانسال با مقدار بسیار کمتر (۰/۲۸۲) معنی‌دار شده است. در میان مابقی اقوام باقیمانده؛ یعنی گیلک‌ها و لر‌ها نیز تفاوت معنی‌دار میان نسل‌ها مشاهده نشد. همچنین، میان هیچ‌یک از اقوام بررسی شده، تفاوت معنی‌دار میان دو نسل میانسال و مسن یافت نشد؛ هرچند

روند کلی ترتیب صعودی خود را حفظ کرده و تفاوت میانگین این دو نسل به نفع میانسال‌هاست در بررسی استان‌ها نیز با در نظر گرفتن تعداد نمونه‌ها، ۱۰ استان مورد کنکاش قرار گرفت. در میان این ۱۰ استان، ۴ مورد تفاوت معنی‌دار میان رده‌های سنی یافت شد که عبارت بودند از: اصفهان، خراسان، تهران و فارس. روند نتایج باز مانند موارد پیشین از نسل مسن به جوان، وضعیتی صعودی را به نمایش می‌گذارد. به جز استان تهران که فقط میان نسل جوان (۲۹-۱۵) و نسل مسن (۹۸-۵۰) تفاوت معنی‌دار شده است، در بقیه استان‌ها میان نسل جوان و میانسال و مسن تفاوت معنی‌دار شده است. بدین ترتیب در سطح استانی نیز، بازهم نسل جوان گوی سبقت را در بروز ارزش‌های ابراز وجود از دو نسل دیگر ربوده و پس از آن نیز نسل میانسال در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد. به هر روی، نتایج نوشتار حاضر را می‌توان چنین تفسیر نمود:

- نسل و روابط نسلی در تبیین رفتارها، باورها و نگرش‌های شهروندان جامعه ایرانی، همچنانکه متفکرانی مانند کارل مانهایم، تورشتاین و بلن، بودریو و اخیراً اینگلهارت و همکاران پیش بینی کرده‌اند، در سال‌های اخیر برجستگی خاصی یافته است. به عبارتی، تمایز نسل‌ها در شاخص فرهنگ سیاسی و ابعاد آن چه در سطح ملی، و چه استانی و قومیتی نشان‌دهنده برجستگی مفهوم نسل در تمایز میان شهروندان از لحاظ باورها، اعمال و نگرش‌ها و توان تبیینی برابر یا همسنگ آن، با مقولاتی مانند موقعیت جغرافیایی و حتی مقوله هویتی (در این نوشتار هویت قومی) در تعیین این اعمال است. - اهمیت تجربه‌های زیستی متفاوت در نسل‌های مختلف تأثیرات ناهمگونی به بار آورده و چنانکه در نتایج این مطالعه ملاحظه می‌گردد، موجب تمایز نسل‌ها در ابعاد رفتار و باوری می‌شود. بر این اساس، همچنانکه شومان و اسکات (۱۹۸۹) خاطر نشان می‌کنند، نسل‌ها

احمدی، یعقوب، قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). «فرهنگ سیاسی دموکراتیک در جوامع چندقومی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، ش ۳، صص ۷۸-۱۱۷.

ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.

آزاد ارمکی، تقی، غلامرضا غفاری. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.

بشیری، حسین. (۱۳۸۴). *گذار به دموکراسی*، تهران: نگاه معاصر.

بوستانی، داریوش. (۱۳۷۹). *بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: افراد بیست سال به بالای شهر شیراز)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

پای، لوسیون. (۱۳۷۰). «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه: مجید محمدی، *نامه فرهنگ*، ش ۶-۵، سال دوم، پاییز و زمستان، صص ۳۷-۴۷.

پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۳). «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، ش ۱۷، ص ۱-۴۲.

تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۱). «جامعه ایرانی و شکاف میان نسل‌ها»، *راهبرد*، ش ۲۶، صص ۲۶۴-۲۸۰.

توکل، محمد و مریم قاضی نژاد. (۱۳۸۵). «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۷، صص ۹۵-۱۲۴.

تیموری، کاوه. (۱۳۷۷). «بررسی ارزش‌های پدران و پسران

«حافظه‌های جمعی» دارند که در نوجوانی و بلوغ اولیه تثبیت می‌شوند و آثار آن در سراسر دوره زندگی تداوم می‌یابد و از آن رو که در مورد نسل‌های ایرانی چنین موضوعی محقق شده است، انتظار یافتن تفاوت‌های کلان میان ارزش‌های جوانان و بزرگسالان نابجا نیست. بر این اساس، با توجه به اینکه نسل جوان جامعه ایرانی در شرایط ایمن‌تری نسبت به سایر نسل‌ها زیسته است و هم از آن رو که دارای «سطوح مهارتی» و دانشی بالاتری (تحصیلات، مهارت‌های سیاسی، آشنایی با رایانه و...) نسبت به آنان قرار دارد، وجود تفاوت‌های معنادار میان این نسل با سایر نسل‌های ایرانی در هر سه سطح مورد مطالعه به لحاظ نظری کاملاً قابل توجیه است. چنین موضوعی البته در گذر زمان احتمالاً می‌تواند ارزش‌های کل جامعه را به تدریج با جایگزینی بین‌نسلی تغییر دهد.

#### پی‌نوشت

[۱] قاعدتاً تعداد قومیت‌های ایران بیشتر از تعداد گزارش شده در این جدول است، اما به علت کم بودن تعداد پاسخگویان تعدادی از این اقوام در جامعه آماری موجود، در اینجا، از ارائه گزارش در مورد آنها خودداری شده است. جدول ۱ گزارش کاملی از تعداد پاسخگویان همه قومیت‌ها در جامعه آماری را ارائه می‌کند.

#### منابع

- ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۴). «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی ایران»، *قم: فصلنامه معرفت*، بهمن ماه، ش ۹۸، صص ۱۰-۲۳.
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۷). *بررسی میزان دموکراتیک شدن فرهنگ سیاسی در میان شهروندان شهر سنندج مبتنی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی*، پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان.

- فرهنگی - بررسی شکاف نسلی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، صص ۵۵-۸۰.
- مصطفی نژاد، عباس. (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: فرهنگ صبا.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها - بررسی نظری و تجربی، تهران، نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Almond, G. A. and Verba, S. (1963) *the Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton: Princeton University Press.
- Dahl, R. A. (1998) *Democracy and its Critics*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Diamond, Larry. (2003) "How People View Democracy: Findings from Public Opinion Surveys in Four Regions", Center for the Study of Democracy Paper Series, Irvine, CA.
- Eckstein, S. Donald, G. Horton, D. and Carroll, T. (1966) "Land Reform in Latin America: Bolivia, Chile, Mexico, Peru, and Venezuela", *Staff Working Paper*, No, 275, Washington, DC: The World Bank.
- Huntington, Samuel P. (1996) "The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order", New York: Simon & Schuster.
- Inglehart, Ronald and Christian Welzel (2003) "Political Culture and Democracy: Analyzing the Cross-level Linkages", *Comparative Politics*, No, 36 (October): 61-79.
- Inglehart, R. Foa, R. Welzel C. and Peterson, C. (2008) "Social Change, Freedom and Rising Happiness: A Global Perspective, 1981-2007", *Perspectives on Psychological Science*.
- Inglehart, Ronald and Christian Welzel (2009) "Political Culture, Mass Beliefs, and Value
- و بروز شکاف نسل‌ها در میان نسل‌ها»، فصلنامه فرهنگ عمومی، ش ۱۶، ص ۵۹-۶۳.
- جیت سازقی، محمدجواد. (۱۳۸۶). «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، فصلنامه جوانان و مناسبات نسلی، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۸۵-۱۱۲.
- رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، نقد و نظر، ش ۷، صص ۲۰۰-۲۱۳.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سیونگ یو، دال. (۱۳۸۱). پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران، تهران: خانه سبز.
- شریف، محمدرضا. (۱۳۸۱). انقلاب آرام: در آمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: روزنه.
- شوماخر، رندال ای، لومکس و ریچارد جی. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری، ترجمه: وحید قاسمی، تهران: جامعه‌شناسان.
- علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲). فرهنگ سیاسی آرش، تهران: آشیان.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۳). نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادله ساختاری با کاربرد *Amos Graphics*، تهران: جامعه‌شناسان.
- قادری، حاتم. (۱۳۸۲). نگاهی به انقطاع نسل‌ها، انقلابی کامل در ایران در گسست نسل‌ها به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۹). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: قومس.
- مدیسون، گری. (۱۳۷۸). اقتصاد سیاسی جامعه مدنی، مترجم: قدرت احمدیان، تهران: سفیر.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست

- Russett, B. (1993) "The Fact of Democratic Peace", in B. Russett (ed.), *Grasping the Democratic Peace*, Princeton: Princeton University Press, 3-23.
- Seligson, Mitchell (2002) "The Renaissance of Political Culture or the Renaissance of the Ecological Fallacy", *Comparative Politics*, No, 34 (April): 273-92.
- Sharma, K. (2009) "Functional Management", New York: Kelani.
- Tocqueville, Alexisde (1994) "Democracy in America", London: Fontana Press.
- Vanhanen, Tatu (2003) "*Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countries*", London: Rutledge
- Change*", in Democratization, Hearper and Etc, Oxford University press: 126-143.
- Inoguchi, T. and Newman, E. (1997) "Introduction: 'Asian Values' and Democracy in Asia", in "*Asian Values and Democracy in Asia*", Tokyo: The United Nations University.
- Lipset, S. M. (1959) "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy", *American Political Science Review*, No, 53/1: 69-105
- Poe, S. and Tate, C. (1994) 'Repression of Human Rights to Personal Integrity in the 1980s: A Global Analysis', *American Political Science Review*, No, 88/4: 853-872.
- Rothstein, Bo. (2000) "Trust, Social Dilemmas and Collective Memories", *Journal of Theoretical Politics*, No, 12 (4): 477-501.